

گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی
و آقای مهندس مرتضی نبوی پیرامون قانون بودجه ۷۶

■ یک گام جلوتر از لایحه

همه مردم، انقلاب و اسلام باشد. ارزیابی بنده نسبت به بودجه ۷۶ و مقایسه آن با بودجه‌های ۷۴ و ۷۵، مثبت است و آن را موفق ارزیابی می‌کنم و من به طور نسبی از تنظیم بودجه ۷۵ و ۷۶ راضی و خوشنود هستم چون وضعیت بودجه و عملکرد اقتصاد ما در سال ۷۴ مطلوب نبوده، رشد نقدینگی ۳۷/۵ درصد بود، نرخ تورم نزدیک به ۵۰ درصد بوده و نابسامانی‌هایی در بدهی‌های خارجی، قیمت ارز، درآمد ارزی، وضعیت صادرات و در دیگر شاخص‌های اقتصادی کشور جاری بود. الحمدلله با توجه به بهبود وضعیت ارزی

مجلس و پژوهش: با تشکر از دوستان که در این گفتگو شرکت نمودند، نخستین سؤال را از جناب آقای دری می‌پرسیم. جنابعالی چشم‌انداز عمومی بودجه سال ۷۶ را چگونه می‌بینید؟

آقای دری نجف آبادی: با تشکر از «مرکز پژوهش‌ها» که منشأ کارهای بزرگ و ارزنده‌ای بوده‌اند و همچنین مجله وزین «مجلس و پژوهش» که جایگاه ارزنده‌ای در مطبوعات ایران دارد و بسیار مورد توجه اهل فضل و اندیشه است و با آرزوی این‌که سال ۷۶، سال میمون و توأم با موفقیت برای

در رابطه با تولید گوشت داخلی، سیاست‌های تبصره ۲۸ به نظر می‌رسد که تا حدود زیادی مثبت ارزیابی شده و زمینه را برای ایجاد مجتمع‌های دامی جهت تولید دام در مناطق مختلف کشور و پروار بندی و حمایت از تولیدکنندگان گوشت قرمز فراهم کند و ان‌شاءالله با تأمین علوفه و احیاء مراتع، امکان خودکفایی و بلکه افزایش تولید در این بخش‌ها نیز شاهد باشیم.

در تبصره ۲۹ مسائل مربوط به صادرات فرآورده‌های نفتی و گاز و همچنین صادرات خدمات فنی نیروی انسانی در تبصره ۲ پیش‌بینی شده که به نظرم قدم مفیدی در این رابطه است.

از نظر سرمایه‌گذاری، سیاست‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در کلیه طرح‌های تولیدی و عمرانی مخصوصاً سیاست‌گذاری در زمینه برنامه‌های دراز مدت و میان مدت تولید پتروشیمی، فولاد، سنگ آهن، روی، مس و غیره از اقدامات بسیار ارزنده ایست که در بودجه سال ۷۶ دیده شد.

مسئله دیگر در زمینه صادرات فرش و سیاست‌های مربوط به آن است که در تبصره ۵ و تبصره ۲۹ آورده شده که امیدواریم هم موجب افزایش تولید داخلی و تشویق تولیدکنندگان گردد و هم موجب حضور ما در بازارهای جهانی و رقابت با کشورهای دیگر و از دست ندادن بازارهای معتبر فرش جمهوری اسلامی ایران در جهان شود و درآمد ارزی قابل توجهی برای کشور فراهم آورد. البته در زمینه صادرات فرش حتماً به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، حمایت و

کشور، ما توانستیم موفقیت‌هایی به دست آوریم. امیدوارم در سال ۷۶، نرخ رشد تولید ناخالص ملی حدود ۴ تا ۵ درصد باشد و ذخایر ارزی کشور نیز افزایش پیدا کرده و از وضعیت خوبی برخوردار گردد و تراز بازرگانی نیز مثبت باشد. ان‌شاءالله نرخ اشتغال افزایش پیدا می‌کند، حساب ذخیره تعهدات کاهش پیدا کرده و نرخ تورم نیز در حد سال ۷۵ یا کمتر بشود؛ تا به سمت اجرای برنامه توسعه و نرخ تورم ۱۰ تا ۱۵ درصدی با نقدینگی کاملاً کنترل شده حرکت کنیم. بنده همچنین امیدوارم که در سال آینده، واردات کاملاً کنترل شده باشد. طرح‌های عمرانی هرچه سریعتر به ثمر بنشینند و در سال ۷۶ کلیه عوامل اقتصاد ملی که موجب موفقیت نسبی آن می‌شوند، به طور منسجم و هماهنگ عمل نمایند. امید است که ساختارهای اقتصادی اصلاح بشوند، قدم‌های مثبت‌تری در جوانب گوناگون اقتصاد، صادرات غیرنفتی و توسعه و تأمین اجتماعی برداشته شود.

در جمع باید گفت که بودجه سال ۷۶، به طور نسبی جهات روشن‌تری و سازنده‌تری در مقایسه با بودجه سال ۷۵ دارد، از جمله در زمینه افزایش مانده بدهی‌ها به سیستم بانکی و توزیع تسهیلات بانکی در بودجه ۷۶ پیش‌بینی شده که ۶۰ درصد در اختیار بخش‌های غیردولتی و ۴۰ درصد در اختیار بخش‌های دولتی قرار گیرد که به طور نسبی این یک قدم مفید و مؤثری برای تقویت بخش‌های غیردولتی و کاهش سهم دولت از تسهیلات بانکی است.

صادرکنندگان نیز به فکر منافع آتی و زودگذر خود نباشند؛ بلکه به فکر منافع و مصالح دراز مدت و سلامت و اقتدار اقتصاد منی باشند. البته جهات دیگر در بودجه سال ۷۱ مورد توجه قرار گرفته که فرصت لازم برای توضیح همه آنها در اینجا نیست. تلاش مجلس محترم نیز بر ایجاد اشتغال سالم، کنترل و هدایت نقدینگی و بها دادن به آب و کشاورزی و تقویت بخش فرهنگ و آموزش، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، دفاع، توجه برای تأمین کالاهای اساسی نظیر دارو و تأکید بر نظم و انضباط، تمرکز زدایی و در یک جمله تأکید بر اجرای سیاست‌های برنامه دوم است.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای
مهندس نبوی، حضرت‌تعالی از
تغییرات بودجه ۷۶ نسبت به لایحه
دولت برایمان بگویید؟

مهندس نبوی: بسم الله الرحمن الرحيم. تغییرات بودجه نسبت به آن چیزی که دولت به مجلس تقدیم کرده بود، یک مقدار تقویت بودجه آموزش و پرورش به صور مشخص است. با توجه به این که این قشر شریف دریافت‌های قابل توجهی ندارند، رقم‌های قابل توجهی تحت عنوان‌های مختلف در «کمیسیون اصلی رسیدگی به بودجه»، به بودجه آموزش و پرورش افزوده گردید. تغییر دیگر، تقویت بودجه بهداشتی و درمانی بیمارستان‌ها و

* دری نجف آبادی: بودجه ۱۳۷۶ حدود ۳۷/۵ درصد رشد داشته و این عمدتاً در بخش جاری است و نشان می‌دهد که موفقیت ما در خصوصی‌سازی چندان قابل توجه نیست.

همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله گمرک و بانک مرکزی و همکاری همه صادرکنندگان و در حقیقت سازماندهی صادرات فرش نیاز است تا بازارهای فرش ما در خارج دچار افت و شکست نشده و اعتبار خود را از دست ندهد. صادرکنندگان فرش نیز باید به جای رقابت با یکدیگر، با کشورهای دیگر به رقابت برخیزند. البته ارزش حاصل از صادرات نیز باید در جهت تأمین مواد اولیه، قطعات یدکی کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و کالاهای ضروری دیگر تخصیص یابد و صرف کالاهای تجملی و فاچاق ارزش و غیره نشود. ان‌شاءالله بازار فرش و سیاست بودجه ۷۶، پایه ارزشمندی برای سال‌های بعد در زمینه صنعت فرش کشور و صادرات آن در جهان باشد. این یک مسئله بسیار ظریف و حساسی است که امیدوارم «ستاد تنظیم بازار»، «وزارت بازرگانی» و دستگاه‌های ذی‌ربط دیگر، با همکاری و دلسوزی در اجرای هر چه بهتر این قانون، انجام وظیفه نمایند و

بود که ارقام مربوط به این لایحه طی یک تبصره‌ای در ضمن بودجه ۷۶ پذیرفته شود. در حالی که مجلس نظرش این بود که تا لایحه بررسی نشده، چگونه می‌توان ارقام مربوط به آن را به صورت مشروط تصویب کرد، که حتی اگر مجلس هم تصویب می‌کرد، قطعاً شورای نگهبان از آن ایراد می‌گرفت. ما نمی‌توانستیم در ضمن بودجه، منابع لایحه فقرزایی را تصویب کنیم و تصویب لایحه آن را به زمان دیگری احاله بدهیم. کار عجیبی که شده بود این بود که بودجه سیستم‌های تأمین اجتماعی به لایحه فقرزایی ارجاع شده بود و لذا چاره‌ای نبود جز این که تا درباره این درآمدها تعیین سرنوشته کنیم، از این رو طی یک بررسی که به عمل آمد، دیدیم امکان این هست که عجلتاً نصف منبعی که دولت پیشنهاد کرده (از ۲۲۰ میلیارد تومان به ۱۱۰ میلیارد تومان) به عنوان منابع قابل قبول پذیرفته شود و بقیه رد گردید. این عمل هم باعث رشد قابل توجه سیستم‌های تأمین اجتماعی نسبت به سال قبل گردید و هم فشار بر روی بودجه را کاهش داد.

حالا البته روی لایحه فقرزایی کار بهتری

*** دری نجف‌آبادی: تغییر دیگری که در بودجه امسال نسبت به گذشته شاهد هستیم بالارفتن سقف معافیت‌های مالیاتی کارمندان است.**

دانشکده‌های پزشکی و سوبسید دارو است؛ ضمن این که دولت هم در این زمینه کار خوبی کرده و بودجه خوبی گذاشته بود. تغییر قابل توجه دیگر در بودجه پیشنهادی دولت، تقویت قابل توجه بودجه امنیتی بود، برای این که نیروی انتظامی توفیق داشته باشد که امنیت را تقویت کند و برنامه‌هایی که به طور پراکنده مشاهده می‌شود مثل سرقت‌ها و ناهنجاری‌های دیگر فائق آید.

مسئله دیگر تقویت قابل توجه یارانه کالاهای اساسی است. در این چند ساله، مجلس حساسیت زیادی در تأمین غذایی مردم داشته. تا قدری از فشاری که بر مردم بوده، کاسته شود. همچنین یارانه کالاهای اساسی از قبیل کود و سم محصولات کشاورزی نیز افزایش پیدا کرده است.

حرکت دیگری که مجلس انجام داد، صرفه‌جویی صد میلیارد تومانی است که این مبلغ را اول دولت در تنظیم بودجه (احتمالاً در لایحه پیوست‌ها) پیش‌بینی کرده بود ولی ظاهراً بعداً صرف‌نظر کرد و آن را در ارقام بودجه تأثیر نداده بود. ما این صد میلیارد تومان را به عنوان این که تحقق پیدا کند و از بودجه دستگاه‌ها کم شود، آن را اعمال کردیم.

تغییرات مذکور به علاوه رقمی که از آن سخن رفت در مجموع، چندان باعث بالا رفتن هزینه‌ها نشد و بعضی ارقام را صرفاً ترمیم کرد.

تصمیم مهم دیگری که بحث جدی در مجلس برانگیخت، تصمیم‌گیری درباره «لایحه فقرزدایی» بود. دولت پیشنهاد کرده

گزارش ویژه

کمیسیون و مجلس رعایت گردید و لذا شاید غیر از موارد خیلی محدود، مجلس پروژه جدیدی را بر تعداد پروژه‌های کشور اضافه نکرد، تا بدین وسیله طرح‌های نیمه تمام فعلی در اولویت قرار بگیرد و از این رهگذر تورم رانیز بتوان مهار کرد. البته در این رابطه، دولت نیز سعی داشت که حتی‌المقدور پروژه‌های جدیدی را شروع نکند و پروژه‌های نیمه تمام را تمام کند که این موضع از جانب دولت، قابل تقدیر بود.

تغییر دیگری که در لایحه تقدیمی بودجه صورت گرفته بود، اضافه کردن تبصره ۲ مربوط به نظارت بر کار شرکت‌هاست که امسال مجلس یک گروه ویژه کاری مربوط به شرکت‌ها را پیش‌بینی کرد. این گروه یک مقدار بررسی‌هایی انجام داد و بندهایی را به آن تبصره ۲ مکرر گذشته اضافه کرد، ضمن این که برای مواردی که به خصوص در صنعت راهگشایی شود تأکید داشتیم و در تبصره ۲ پیش‌بینی شد و زمینه را برای فعالیت شرکت‌هایی نظیر خودرو سازی‌ها باز گذاشتیم.

مضافاً مسئله واگذاری سهام «ایران خودرو» مطرح شد که از این حالت دولتی خارج شود و بتواند به عنوان شرکتی که زیر ۵۰ درصد سهامش دولتی است با یک نشاط تازه‌تری فعالیت کند.

نکته قابل ذکر دیگر این است که همکاری ارزنده‌ای بین مجلس و سازمان برنامه، نسبت به بودجه سال ۷۶ وجود

نیز می‌بایست انجام بگیرد و با تأکیدی که «مقام معظم رهبری» دارند و پیشنهادهای «مرکز پژوهش‌های مجلس»، امید می‌رود که روی این لایحه کار گسترده‌ای بشود و انشاءالله طوری عمل شود که کاملاً رفع فقر گردد و نسبت به کسانی که الآن دچار فقر و محرومیت هستند توجه جدی صورت گیرد و منابع قابل قبولی برای آن دست و پا شود. به‌رحال این نیز یک تغییر اساسی دیگر نسبت به پیشنهاد دولت بود.

آن چیزی که روی آن خیلی تلاش شد و نیز کمیسیون اصلی بودجه ۷۶ آن را پذیرفت، این بود که تا حد امکان، مجلس پروژه جدیدی را بر پروژه‌های کشور اضافه نکند. این اصل خوب که هدف آن جلوگیری از زخمی کردن پروژه‌هاست در

*** مهندس نبوی: ما باید از گذشته پند بگیریم، اگر فاصله نرخ رسمی با نرخ بازار آزاد زیاد باشد، فسادهای زیادی سرازیر خواهد شد. این، رانت ایجاد می‌کند، ثروت‌های باد آورده در پی خواهد داشت و عده زیادی می‌روند سراغ این‌که از این دلارهای با نرخ ثابت سوء-استفاده کنند و جاذبه‌اش هم برای آنها، بسیار زیاد است.**

* مهندس نبوی: تغییر دیگری که در بودجه امسال نسبت به گذشته شاهد هستیم، بالا رفتن سقف معافیت‌های مالیاتی کارمندان است که از این ناحیه حدود ۱۰۰ میلیارد تومان از درآمدهای مالیاتی دولت کاهش پیدا کرد.

درآمدهای مالیاتی دولت کاهش پیدا می‌کند. همچنین مکانیسم تحصیل درآمد ۲ درصدی «آموزش و پرورش» و درآمدهای «سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان» به «وزارت دارایی» ارجاع شد. از این رو می‌بینیم که حدود ۴۰ درصد درآمدهای مالیاتی نسبت به سال گذشته افزایش یافته، ولی این افزایش نوعی فشار مالیاتی نیست، بلکه همان ۲ درصد آموزش و پرورش و درآمدهای «سازمان حمایت» است.

کوششی وجود داشت که قیمت نفت بالا حساب شود، ولی کمیسیون اصلی، مقاومت قابل توجهی کردند و مجلس هم خوشبختانه به افزایش قیمت رأی نداد. البته پیشنهاد دولت نسبت به برنامه، ۲ دلار در هر بشکه افزایش داشت و مجلس همان را نیز تصویب کرد. به نظر می‌رسد که این ۲ دلار نیز زیاد بود، ولی در فضای تصویب لایحه بودجه، قیمت نفت آنچنان بالا رفته بود که نمی‌شد از ۲ دلار پایین آمد. البته درباره نفت پیشنهادهای دیگری نیز مطرح شده بود که

داشت که خوب انجام گرفت. نکته دیگر این بود که یکی از منابع تأمین اعتبار، اختصاص به صدور اوراق مشارکت داشت که مبلغ قابل توجهی را تشکیل می‌داد. این کار برای سال ۷۵ عملکردی نداشت، ولی با این حال رقم آن را بسیار افزایش داده بودند. میزان اوراق مشارکت در سال ۷۵، حدود ۳۰ میلیارد تومان بوده و این را برای ۷۶ به ۲۲۵ میلیارد تومان افزایش دادند که ما امکان تحقیقش را نمی‌بینیم. یعنی در حقیقت می‌شود این را به حساب کسر بودجه گذاشت؛ چون موانع جدی در این ارتباط وجود دارد و برای مردم نیز چندان جاذبه ندارد که بیایند در آنها مشارکت کنند.

اصلاح دیگری که در لایحه بودجه ۷۶ صورت گرفت حذف مبلغ ۳۰ میلیارد تومانی آموزش و پرورش بود که قرار بود از بانک‌ها استقراض کنند تا پروژه‌های نیمه تمام خود را تمام کنند. مجلس این را به حاضر این که بودجه آموزش و پرورش اصلاحات خوبی پیدا کرده بود، حذف کرد. این ۳۰ میلیارد تومان رایک مقدار برای افزایش وام ازدواج اختصاص دادیم، یک مقدار برای حوادث غیر مترقبه کنار گذاشتیم و یک مقدار را دادیم به مدارس غیر انتفاعی که آنها بروند وام بگیرند زیرا اگر آموزش و پرورش آن را وام می‌گرفت این در حقیقت نوعی کسر بودجه تلقی می‌شد.

تغییر دیگری که در بودجه امسال نسبت به گذشته شاهد هستیم بالا رفتن سقف معافیت‌های مالیاتی کارمندان است که از این ناحیه حدود ۱۰۰ میلیارد تومان از

متأسفانه رأی نیاورد.

یاد شده پیشنهاد گردید. به نظر اینجانب، سیاست‌های برنامه دوم باید به صورت جدی برای دهه آینده و برنامه سوم نیز دنبال شود.

متأسفانه عملکرد خصوصی سازی در برنامه اول چندان چشمگیر و قابل قبول نبوده و نوع واگذاری چندان شرایط مطلوبی نداشته است؛ شاید علت این بوده که دستگاه‌هایی که خود دارای شرکت‌های مختلف بودند، مانند «وزارت صنایع» خود نیز مأمور خصوصی سازی شدند، حال آنکه در دنیا برای خصوصی سازی اولاً ارگانی مستقل از دستگاه‌های دیگر - که مالکیت واحدها را به عهده دارند - متکفل می‌شود و مهمتر این است که برای خصوصی سازی، برنامه مشخص دارند. پس دو مسئله بسیار مهم است:

۱- داشتن برنامه برای خصوصی سازی؛

۲- تشکیل نهادهای مستقل از دستگاه‌های دولتی دیگر برای تحقق خصوصی سازی که در آلمان شرقی قبلاً این تجربه موفق نشان داده است. البته این نهاد یا ارگان متکفل خصوصی سازی نباید خود تشکیلات پیچیده و پراخرجی داشته باشد.

متأسفانه در کشور ما به رغم این که سیاست خصوصی سازی می‌توانست موفق باشد و کار انتقال مالکیت‌ها به صورت مناسب انجام گیرد و بر اساس برنامه از پیش تعیین شده، واحدهای عمومی به صورت

□ مجلس و پژوهش: مدت‌هاست که صحبت از کاستن سهم دولت و بخش عمومی در اقتصاد می‌شود، اما ارقام مصوب بودجه سال ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ سهم دولت و بخش عمومی را رو به افزایش نشان می‌دهد. جناب آقای دری، آیا مجلس برنامه‌ای برای متوقف ساختن این روند و تسریع در فرایند خصوصی سازی دارد؟

آقای دری نجف‌آبادی: به نظر بنده، خصوصی سازی یک ضرورت است منتهی باید سالم و پاک اجرا شود و ما در اقتصاد چاره‌ای نداریم مگر این که دولت را کوچکتر و کارآمدتر کنیم و دستگاه‌های موازی دولتی را برچینیم. در این نبایست تردید کرد که کارایی دستگاه‌های دولتی باید افزایش یابد و تمرکززدایی صورت گیرد. تجربه کشور ما و همچنین تجربه جهانی نیز صد در صد این معنا را تأیید می‌کند. متأسفانه سهم دولت از اقتصاد ملی بیش از ۸۰ درصد است و سهم بخش‌های غیر دولتی، عمدتاً کشاورزی و بخش توزیع و بنگاه‌های کوچک صنعتی و خدماتی، حمل و نقل جزیبی و غیره بسیار پایین می‌باشد. در برنامه دوم، بحث کاهش حجم دولت، افزایش مشارکت‌های مردمی، واگذاری کارها به مردم، شکستن انحصارات و ایجاد رقابت سالم مورد توجه قرار گرفت و راه کارهای مناسبی برای تحقق هدف‌های

*** دری نجف آبادی: ما نمی توانستیم در ضمن بودجه، منابع لایحه فقرزایی را تصویب کنیم و تصویب لایحه آن را به زمان دیگری احاله بدهیم. کار عجیبی که شده بود این بود که بودجه سیستم های تأمین اجتماعی به لایحه فقرزایی ارجاع شده بود و لذا چاره ای نبود جز این که تا درباره این درآمدها تعیین سرنوشت کنیم.**

می آید. اما نهایتاً با توجه به این که حجم بودجه از ۱۳۷ هزار میلیارد ریال به ۱۸۸ هزار میلیارد ریال افزایش یافته و حدود ۵۱ هزار میلیارد ریال افزایش بودجه داشته ایم، عملاً این معنایش آن است که بخش های عمومی و دولتی باز نیز بیشتر رشد خواهند کرد. یعنی بودجه به هر حال ۳۷/۵ درصد رشد داشته و این عمده تاً در بخش جاری است و نشان می دهد که موفقیت ما در خصوصی سازی چندان قابل توجه نیست.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای مهندس نبوی، جناب عالی از برآورد قیمت نفت سخن گفتید، حال اگر درآمدهای پیش بینی شده در بودجه ۱۳۷۶ محقق نشود، آیا اصلاحیه ای خواهد آمد؟ اصلاحیه ای که برای

سهامی عام و خاص و به صورت های گوناگون واگذار شود، این گونه نشد. به نظرم باید یک چنین چاره اندیشی مناسبی نهایتاً در دولت، مجلس، برنامه آینده و غیره بشود. دو نکته دیگری که باید یادآور شوم این است:

۱- فرهنگ خصوصی سازی. در جامعه ما باید این فرهنگ به مفهوم درست و واقعی کلمه و با اهداف مشخص برای مردم تبیین شود.

۲- تا زمانی که درآمدهای نفتی و امکانات بانکی در اختیار بخش عمومی قرار دارد، همواره حجم بخش عمومی رو به رشد و افزایش خواهد بود بدون این که ارزیابی روشنی از توسعه بی رویه دستگاه ها و آثار و عملکرد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها داشته باشیم.

□ مجلس و پژوهش: آیا شما در بودجه ۷۶ تدابیری در رابطه با خصوصی سازی اندیشیده اید؟

آقای دری نجف آبادی: آن چیزی که در بودجه ۷۶ به آن عمل کردیم، کنترل تسهیلات است. در سال آینده برای بخش خصوصی ۶۰ درصد و برای بخش عمومی ۴۰ درصد تسهیلات در نظر گرفتیم و این یکی از سیاست هایی است که در حقیقت می تواند به این معنا کمک کند. این نسبت در سال گذشته ۵۵ درصد بخش خصوصی به ۴۵ درصد بخش دولتی بود و این قدم مثبتی برای تقویت بخش های غیر واقعی به شمار

سال ۷۵ آمد چه هدفی را دنبال می‌کرد؟

مهندس نبوی: خوشبختانه، در سال ۷۵ درآمدهای نفتی و حتی درآمدهای کل نسبت به اصلاحیه بودجه همه تحقق بیشتری پیدا کرد. بحث این بود که این درآمد اضافی را به حساب ذخیره تعهدات و بازپرداخت بدهی دولت به بانک مرکزی بگذاریم، ولی با این پیشنهاد مخالفت شد و رأی نیاورد و ما از این ناحیه رقمی را خواهیم داشت که فکر می‌کنم آن نوسانات را انشاءالله بگیرد و ما مشکل جدی در تأمین درآمدهای پیش بینی شده نداشته باشیم.

□ مجلس و پژوهش: تکالیف بودجه‌های سنواتی در موارد بسیار از طرف دولت اجرا نمی‌گردد؛ به طور مثال تبصره ۲ قانون بودجه ۷۵، سقف تسهیلات بانکی قابل پرداخت به بخش‌های عمومی، خصوصی و تعاونی را نسبت به مانده سال قبل فقط تا حدی مجاز دانسته ولی عملاً از آن تجاوز کرده است. برای رفع این تناقضات، چه تمهیداتی صورت گرفته است؟

آقای دری نجف آبادی: اجمالاً در این باره دستگاه‌های ذی‌ربط دیگری مانند «شورای اقتصاد»، «شورای پول و اعتبار»، «هیئت وزیران»، «مجمع عمومی بانک‌ها» و دستگاه‌های دیگر هم مسئولند. ما مثلاً در

بودجه گفتیم که تسهیلات ۸۸۰۰ میلیارد ریال افزایش پیدا کند، منتها کل تسهیلاتی که سیستم بانکی می‌توانند برای سال ۷۶ ارائه دهند، حدود ۲۶ هزار میلیارد ریال است. آنچه که ما در بودجه مشخص کردیم ۸۸۰۰ میلیارد ریال یعنی $\frac{1}{3}$ این پول است؛ در حالی که سیستم بانکی می‌تواند با کمک منابع داخلی خودش، سپرده‌های جدید مردم و طلب‌هایی که وصول می‌کند، مجدداً آنها را به جریان بیاندازد. برای این‌ها، مجلس اجازه داد که تا سقف ۸۸۰۰ میلیارد هم نقدینگی رشد داشته باشد. پس تسهیلات و گذاری سیستم بانکی فقط ۸۸۰۰ میلیارد ریال نیست که تسهیلات بتواند افزایش پیدا کند، بلکه مجموع منابع دیگر نظیر سپرده‌های مردمی و طلب‌هایی که در سال ۷۶ وصول می‌کند - ممکن است سیستم بانکی در سال ۷۶ به عنوان مثال ۱۰ هزار میلیارد ریال طلب وصول نماید - می‌تواند کل آنها را دوباره به عنوان تسهیلات و اعتبار در اختیار مردم و جامعه قرار دهند. منتها آنها مشکلات خاص خودشان را دارند. آنها می‌گویند احکام تکلیفی بانک‌ها خیلی سنگین است و به نظرم یکی از اشکالات بودجه نویسی ما در این سالها، تکیه بیش از حد روی تسهیلات بانکی و تکالیف است که بر سیستم بانکی وارد می‌گردد. اگر قرار باشد که تدوین بودجه کشور معقول و تعدیل شده باشد، نباید این قدر تکالیف سنگین بر دوش

* مهندس نبوی: «مؤسسات دولتی ولی به شکل خصوصی»، بسیار نگران‌کننده است و در مرحله اخیر هم این شرکت‌های سرمایه‌گذاری است که به آنها اضافه شده و متأسفانه کارهایشان برخلاف هدفشان است. آنها پول جمع می‌کنند و به جای این که سرمایه‌شان را برای کارهای مولد، سمت و سوبدهند، صرف فعالیت‌های بازرگانی می‌نمایند و آن محدودیتی که بانک‌ها دارند، اینها ندارند. آنها به جای این که در خدمت تولید باشند، باز هم بیشتر به کارهایی چون دلالی دامن می‌زنند.

مصلح کلی نظام باشند.

اگر می‌شد که مجلس تکالیف و سیاست‌گذاری کلی را برای بانک‌ها تعیین می‌کرد، ولی در عمل دست بانک‌ها را آزاد می‌گذاشت و صرفاً به کار آنها نظارت می‌کرد، قطعاً این به نفع می‌بود. یعنی به یک معنا، خود مجلس مقسم نباشد، یعنی تعیین تکلیف نکند بانک‌ها چند درصد به بخش تعاونی، چند درصد به بخش صنعت، چند درصد به بخش مسکن و غیره بدهند. این کارها را به عهده دولت، شورای پول و

بانک‌ها گذاشته شود. بایستی به سیستم بانکی اجازه داده شود که در ۷۰ تا ۸۰ درصد فعالیت‌ها، خودش بتواند آزادانه تصمیم‌گیری نماید. در هر موردی بتواند کار کارشناسی انجام دهد و تسهیلات را در اختیار افراد و واحدهای مناسب قرار دهد.

متأسفانه احکام تکلیفی که به سیستم بانکی می‌شود خارج از حد متعارف و توان و اختیارات سیستم بانکی است. شاید از ۲۶ هزار میلیارد تسهیلات واگذاری از طرف بانک‌ها حدود ۲۲ یا ۲۳ هزار میلیارد صرفاً تکلیف شده و این برای فعالیت بانک‌ها محدودیت ایجاد می‌کند. یعنی بانک‌ها عملاً زمینه کمتری برای تصمیم‌گیری، فعالیت و ارزیابی کارشناسانه دارند. باید کاری کرد که سیستم بانکی بتواند آزادتر نسبت به تسهیلات تصمیم بگیرد. اگر سپرده‌ها و منابع مال مردم است، که واقعاً چنین است باید حساب و کتاب دقیقتر راجع به این قضیه در نظر گرفته شود. البته سیستم بانکی هم باید سیاست‌های کلی نظام را در نظر بگیرد و برنامه پنج ساله‌شان باید همزمان با برنامه پنج ساله توسعه کشور به تصویب مجلس برسد. همچنین برنامه‌های یکساله‌شان همزمان با بودجه کل کشور باید توسط هیئت وزیران طبق قوانین پولی و بانکی اسلامی به تصویب برسد. در عین حال بانک‌ها باید هزینه‌هایشان را کاهش دهند و به فعالیت‌های مولد بیفزایند، نه این که به دلیل سود و نفع بیشتر، اعتبارات را بیشتر در بخش‌های دلالی، تجارت و بازرگانی صرف کنند، آنها باید به فکر

برنامه‌ها و فعالیت‌ها، بودجه و عملکرد شرکت‌های دولتی و توزیع استانی اعتبارات؛ ولی عملاً این قالب‌های ششگانه رعایت نمی‌شود. آیا بهتر نیست صورت‌های مناسب‌تری برای تدوین بودجه دولت انتخاب گردد؟ آیا بهتر نیست، بودجه بر مبنای «فعالیت» استخراج گردد نه رشد نسبت به اعتبارات سنوات؟ به نظر شما چرا تاکنون اصلاح ساختار نظام بودجه‌ریزی معوق مانده و توفیقی نداشته است؟ چرا مجلس علی‌رغم آگاهی از ضرورت اصلاح ساختاری بودجه، اقدام جدی در این زمینه به عمل نمی‌آورد. فی‌المثل در گزارش‌های ارسالی «مرکز پژوهش‌ها» به مجلس محترم، بارها درخواست شده بود که دولت یک سری اسنادی را منضم به لایحه بودجه کند تا دستگاه‌های دولتی به این جهت هدایت شوند که با ساختار شفاف‌تری بودجه را بنویسند و تقدیم مجلس کنند و مجلس هم بتواند بدین گونه تمام جوانب را خوب ببیند. به نظر جنابعالی چرا این تحول ساختاری اتفاق نمی‌افتد؟

آقای دری نجف‌آبادی: تنظیم بودجه به این صورت در طول ۴۰ سال گذشته در واقع سنت و فرهنگ ما شده است. اگر بخواهیم

اعتبار، مجمع عمومی بانک‌ها و بانک مرکزی بگذاریم و مجلس تنها سیاست‌های کلان را برای یک سال و بیشتر مطرح می‌کند و سیستم بانکی را تشویق می‌کند که در این جهت حرکت نماید.

البته در این زمینه فکرهای دیگری هم است که امیدواریم در آینده بدان توجه شود. شاید یکی از فکرهای مناسب این باشد که یارانه مربوط به اعتبارات و تسهیلات سیستم بانکی را تا یک سقفی تضمین کنیم. اگر تسهیلات به آن بخش‌هایی که مورد نظر دولت و مجلس بوده، پرداخت شد، دولت مابه‌التفاوتش را تضمین می‌کند. مثلاً برای سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، دولت فرضاً تا ۱۰۰ میلیارد تومان بابت یارانه تسهیلات بانکی از کیسه بودجه کل کشور می‌پردازد، مابه‌التفاوت آن را مثلاً ۵۰ درصد سود کارمزد را دولت بیاورد تضمین بکند. این سیاست شاید هم دست سیستم بانکی را نبندد و هم اهداف دولت و مجلس را در اجرای سیاست‌ها بهتر بتواند محقق نماید. کارها و طرح‌ها نیز براساس کارهای کارشناسانه انجام خواهد شد و از اعمال سلیقه جلوگیری می‌شود.

□ مجلس و پژوهش: بیش از بیست سال است که بودجه عمومی دولت دارای اجزای ششگانه است، شامل: پیام بودجه، گزارش وضع مالی و اقتصادی دولت، شرح جزئیات

*** دری نجف آبادی: متأسفانه عملکرد خصوصی سازی در برنامه اول چندان چشمگیر و قابل قبول نبوده و نوع واگذاری چندان شرایط مطلوبی نداشته است؛ شاید علت این بوده که دستگاه‌هایی که خود دارای شرکت‌های مختلف بودند، مانند «وزارت صنایع» خود نیز مأمور خصوصی سازی شدند.**

درآمد نفت نیز در اختیار این سازمان باشد. وزارت اقتصاد نیز متکفل تنظیم بودجه جاری باشد و این ارزیابی بودجه را بسیار تسهیل می‌کند.

یکی دیگر از مشکلاتمان در بحث بودجه، بودجه شرکت‌های دولتی است. گستره این شرکت‌ها بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ و طیف وسیعی از شرکت‌های فرعی، اصلی، اقماری و غیره است که سهم‌شان در اقتصاد ملی بسیار قابل توجه می‌باشد. این شرکت‌ها گاهی خودشان یک دولت هستند. مسئله مهمی که ما در این سال‌ها دنبال کردیم و به نظر من، قدم مثبت و خیری است تقویت بودجه‌های استانی و شهرستان‌هاست؛ این امر می‌تواند در جهت تمرکززدایی قدم مفیدی باشد، در عین حال ممکن است آثار منفی نیز در پی داشته باشد.

شیوه جدیدی را در رابطه با تنظیم بودجه به وجود آوریم، در واقع باید سنت شکنی شود. راه کارهای محققان «مرکز پژوهش‌ها» در این زمینه قطعاً مثمرتر است. یکی از مشکلات بودجه نویسی به متمرکز بودن برنامه‌ها و سیاست‌ها در دست دولت برمی‌گردد؛ زیرا که عمده درآمدها در دست دولت است و دولت برنامه‌های اقتصادی را نیز در راستای منافع خود تنظیم می‌کند و دیگر بخش‌ها در این رهگذر بعضاً قربانی می‌شوند.

تنظیم بودجه بر مبنای فعالیت و عملکرد نه عادت سنواتی، پیشنهاد بسیار خوبی است. بودجه دستگاه‌های کشور با توجه به بودجه و عملکرد سال قبل (مثلاً با ۲۰ تا ۳۰ درصد رشد به خاطر تورم و مسائل دیگر) تنظیم می‌شود، بدون اینکه ارزیابی روشنی از عملکرد آنها وجود داشته باشد. این قضیه همینطور عادت شده و با چانه‌زنی و غیره مقداری از درصد اعتبارات دستگاه‌های کم یا زیاد می‌شود.

ما باید «بودجه عملیاتی» داشته باشیم و برای فعالیت‌های مناسب، پول لازم بدهیم و دولت نیز با سیاست‌های ارشادی خود، قضایا را دنبال کند.

مسئله دیگر این‌که برای اصلاح ساختار بودجه نویسی، باید بین بودجه‌های عمرانی و جاری تفاوت بگذاریم. کارهای عمرانی دولت باید در اختیار سازمان برنامه و بودجه باشد، همانطور که قبل از سال‌های ۱۳۵۲ به پیش چنین بود. سازمان برنامه و بودجه باید مسئولیت عمرانی کشور را داشته باشد و

□ مجلس و پژوهش: ما شاهد عدم ارتباط بودجه‌های سنواتی با قوانین برنامه توسعه کشور هستیم، این به نظر می‌رسد که در تمامی دوره‌های تقنین بودجه در ایران شایع باشد، آقای مهندس نبوی، جنابعالی چه رهیافتی برای حل این مشکل پیشنهاد می‌کنید؟

مهندس نبوی: می‌توان بودجه ما را به یک بهمی تشبیه کرد که با هر سال گردش زدن، بزرگتر می‌شود، شتابش و خطرات و آثار منفی آن بیشتر می‌شود. وقتی برنامه‌های پنج‌ساله را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اثرش با سرعت ۴۰ درصد در سال افزایش پیدا می‌کند. باید به معضلات ساختاری بودجه به عنوان خطری که اقتصاد کشور را تهدید می‌کند، توجه بیشتری می‌شود. این قضیه تا حد زیادی هم به نفت مربوط است. یک سال که درآمد نفت بیشتر می‌شود، این اثرش کمتر است؛ لذا این مسئله را باید در ریشه جستجو کرد.

نظام برنامه‌ریزی ما اشکالات خودش را دارد، از ضعف اطلاعات به روز رنج می‌برد، از نداشتن یک مدل اقتصادسنجی کلان و مدل‌هایی که بتواند آثار سیاست‌ها و شاخص‌های کلان را پیش‌بینی کند، رنج می‌برد. از عدم انسجام و هماهنگی بین بخش‌ها رنج می‌برد. به نظر می‌آید که جنبه مونتاژی بودجه ما بالا باشد و رابطه ارگانیک بین بخش‌های مختلف بودجه وجود ندارد.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای دری نجف‌آبادی، نارسائی‌های نظام مالیاتی، مشکلات جدی را در کشور پدیدار نموده است. به جهت ضرورت اصلاح نظام مالیاتی، از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس پیشنهادهایی نظیر: تسریع در بهره‌گیری از خدمات حساب‌رسان خبره مالیاتی، پرداخت خوش حسابی به مؤدیانی که مالیات علی‌الحساب می‌پردازند، قبول گزارشات شرکت‌های دولتی به عنوان مبنای اخذ مالیات بدون ارزیابی مجدد، اصلاح مهلت‌های تشخیص صدور قرار، تعیین تکلیف پرونده‌های رسوبی بابت سال‌های قبل از ۷۲ و ... ارائه گردید. مردم از وضعیت ناهنجار کنونی رنج می‌برند. آیا مجلس محترم هیچ گامی در جهت اصلاح نظام مالیاتی به صورت محدود در قانون بودجه برداشته است؟ آیا فکر نمی‌کنید یکی از این راه‌ها اصلاح تدریجی آن در ساختار بودجه باشد؟

آقای دری نجف‌آبادی: قطعاً «اصلاح تدریجی» یکی از راه‌های مثبت و مؤثری است که امیدواریم بتواند ساختار مالیاتی کشور را اصلاح کند. ما چاره‌ای نداریم که نسبت به ساختار مالیاتی کشور حساسیت نشان دهیم و تلاش بکنیم از وضعیت

*** مهندس نبوی: نظام برنامه‌ریزی ما اشکالات خودش را دارد، از ضعف اطلاعات به روز رنج می‌برد، از نداشتن یک مدل اقتصادسنجی کلان و مدل‌هایی که بتواند آثار سیاست‌ها و شاخص‌های کلان را پیش‌بینی کند، رنج می‌برد، از عدم انسجام و هماهنگی بین بخش‌ها رنج می‌برد. به نظر می‌آید که جنبه مونتازی بودجه ما بالا باشد و رابطه ارگانیک بین بخش‌های مختلف بودجه وجود ندارد.**

کارها به صورتی آزمایشی کار کنیم. چگونه به عنوان نمونه، مالیات بر سیگار، نوشابه‌ها و امثالهم از این موارد است. ما باید در نهایت ببینیم که چه الگوی مالیات بر مصرف در کشور قابل پیاده است و می‌تواند جوابگو باشد.

مسئله دوم این است که ما متأسفانه یک اطلاعات قوی در مورد درآمدهای کشور - این‌که درآمدها کجاست، چقدر آنها آشکارند و چقدر پنهان - نداریم. باید یک سیستم اطلاعاتی قوی به وجود آید، تا کلیه افراد صاحب درآمد، نتوانند از این سیستم فرار کنند. حالا ممکن است ۵ تا ۱۰ درصد اطلاعات در این سیستم وجود نداشته باشد

مناسب‌تری برخوردار باشد. بهر حال، نمی‌توانیم برای ابد اقتصادمان از محل درآمدهای نفت ارتزاق شود. باید هزینه‌های جاری و عمرانی دولت از محل درآمدها تأمین شود. ما سه نوع منبع درآمدی عمده - درآمد نفتی، مالیاتی و دیگر موارد - داریم. دستگاه‌های دولتی، درآمدهای اختصاصی دیگر هم دارند. اما در این سال‌ها همواره درآمد اصلی دولت از محل فروش نفت تأمین شده و منابع مالیاتی و غیره هم مستقیماً یا غیرمستقیم متأثر از درآمدهای نفتی یا از مابه‌التفاوت قیمت ارز بوده است. در سال جاری (۷۵) حدود ۷۰ درصد درآمدها وابسته به نفت بوده و بقیه درآمدها نیز به نوعی از آن تأثیر پذیرفته است. در سال ۷۶ نیز حدود ۶۰ درصد درآمدهای دولت از محل فروش نفت بدست می‌آید. با این وضعیت ما چاره‌ای نداریم که روی اصلاح سیستم مالیاتی کشور کار کنیم و نظام مالیاتی را به گونه‌ای تنظیم کنیم تا آنهایی که دارای درآمدهای بادآورده هستند، موظف شوند مالیات حقه خود را به خزانه بپردازند و باید این احساس مسئولیت در مردم بوجود آورد که آنها در هزینه‌های عمومی کشور سهیم شوند. باید از کلیه کسانی که در چتر مالیاتی قرار می‌گیرند، خواسته شود که مالیات حقه خود را پرداخت کنند. یکی از مسائلی که در این سال‌ها مطرح شده «مالیات بر مصرف» است. نسبت به این موضوع کارهایی انجام گرفته و «وزارت اقتصاد» قدم‌هایی نیز در جهت مالیات بر مصرف برداشته است. ما باید روی این

درآمد فرق داشته باشند.

مسئله دیگر که باید به آن توجه کرد، موضوع «پرونده‌های رسوبی» است. باید راه‌حلی برای آن پیدا شود و نظام مالیاتی بتواند از عهده این به خوبی برآید. حالاً مثلاً در سال ۷۶ بخوایم برای سال ۷۲ و قبل آن سراغ پرونده‌های مالیاتی مردم برویم، افراد دارای معوقه‌های انباشته می‌شوند، عملاً ممکن است پول نداشته باشند یا در یک سال نسبت به سال دیگر درآمد لازم را نداشته باشند. بنابراین «رسوبی‌ها» به یک معنی باید به روز برسند و نباید به سراغ گذشته‌ها برویم و پرونده‌های گذشته را به سرعت حل و فصل کنیم، ولو به صورت علی‌الرأس یا علی‌الحساب کردن؛ تا از این طریق پرونده‌های معوقه ما قبل ۷۴ بسته شود و در سال ۷۶ فقط پرونده‌های ۷۵ و ۷۶ مطرح باشد. بنابراین نباید بین افراد و دستگاه قضایی، به خاطر پرونده‌های چندین سال گذشته رفت و آمد باشد.

باید تدابیر جدید و کارآمد برای اخذ مالیات اندیشیده شود و در تبصره ۳۴ بودجه همه سانه برای «وزارت اقتصاد» تسهیلات مختلفی از قبیل استخدام نیرو و غیره در نظر گرفته می‌شود. ما باید روش‌های جدیدی را برای رسیدگی به حساب و کتاب‌ها بکار بندیم. یکی از این‌ها، بازنگری در حساب شرکت‌های دولتی است. برای شرکت‌های دولتی سهم مالیات حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار میلیارد ریال

یا ضریب خطا باشد که چندان مهم نیست. نمی‌توان برای همه ناظر و مأمور گذاشت. باید هنجارهای اجتماعی به گونه‌ای باشد تا کسی که مرتکب سوءاستفاده در امر مالیات شده، حیثیت اجتماعی، ملی و مذهبی او زیر سؤال برود. در کشورهای اروپایی می‌بینیم که سوءاستفاده‌های مالیاتی بعضاً چه رسوایی‌هایی در پی دارد.

پرداخت مالیات باید به گونه‌ای باشد که افراد احساس کنند که دارند وظیفه دینی و ملی‌شان را انجام می‌دهند. در حقیقت اگر مردم بخواهند از خانه بزرگ کشور استفاده کنند، بایستی هزینه آب و جارو و تعمیر آن را خود بردارند. دولت خدمات مختلفی چون امنیت و رفاه را برای مردم انجام می‌دهد، مردم نیز در قبال آن باید هزینه، پرداخت کنند.

مسئله دیگر این‌که، نظام مالیاتی ما گسترش لازم را ندارد، به این معنی که هر جا درآمدی است، سراغ آن برود. این‌که ممیز، سرممیز یا با علی‌الحساب بخوایم مالیات دریافت کنیم، قطعاً اینها جواب نمی‌دهد. تا یک سیستم مالیاتی جا افتاده نداشته باشیم، چه بسا چاره‌ای نداشته باشیم. اما اگر یک سیستم مالیاتی جا افتاده باشد این معنی ندارد که ما برویم علی‌الرأس و علی‌الحساب از افراد مالیات دریافت کنیم چه بسا دو تا مغازه را مثل هم می‌بینیم و هر دو را علی‌الرأس کنیم، در حالی‌که این دو ممکن است از زمین تا آسمان با هم از نظر

* دري نجف آبادی: هر سياستی که ما را در جذب بیشتر منابع ارزی خارجی تقویت کند و باعث کاهش فرار سرمایه از کشور شود، آن سياست به نفع ما و اقتصاد ملی است. ما در این رابطه باید اقتصاد ملی مان را در رابطه با اقتصاد جهانی در نظر بگیریم.

اگر آنها دولتی اداره شوند، این راه کار و چاره ساز است. سیستم مدیریتی، نحوه نظارت و حسابرسی آنها از جمله مسائل قابل طرح است. پدیده «مؤسسات دولتی ولی به شکل خصوصی»، بسیار نگران کننده است و در مرحله اخیر هم این شرکت های سرمایه گذاری است که به آنها اضافه شده و متأسفانه کارهایشان برخلاف هدفشان است. آنها پول جمع می کنند و به جای این که سرمایه شان را برای کارهای مولد، سمت و سو بدهند، صرف فعالیت های بازرگانی می نمایند و آن محدودیتی که بانک ها دارند، اینها ندارند. آنها به جای این که در خدمت تولید باشند، باز هم بیشتر به کارهایی چون دلالی دامن می زنند.

□ مجلس و پژوهش: عدم شفافیت درآمدهای بودجه از جهت اخذ عوارض مختلف مندرج در تبصره ها

در نظر گرفته می شود، (در بودجه ۱۱۰ هزار میلیارد است)، در حالی که عملاً سهم این شرکت ها باید بیش از این باشد.

در اصلاح نظام مالیاتی، باید از برنامه های درازمدت، نه موقتی استفاده کرد. اگر نظام مالیات بر مصرف جواب می دهد، همان، وگرنه باید این نظام مالیاتی را بر اساس تجارب کشورهای دیگر و تجارب خودمان بازنگری کنیم. اگر دولت ۱۰ درصد در تسهیل وصول مالیات ضرر بکند، ولی در عوض بازدهی و راندمان نظام مالیاتی را افزایش دهد، این به سود است. گم شدن در پرونده های معوقه و طی کردن سیکل طولانی پرونده های مالیاتی به ضرر دولت است.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای مهندس نبوی مؤسسات عمومی نظیر شهرداری ها، تأمین اجتماعی و غیره خارج از نظام بودجه ریزی قرار می گیرند، در حالی که سهم شان در اقتصاد بسیار بالاست، آیا تاکنون فکر نشده که نگاه بودجه ای به این مؤسسات بشود؟

مهندس نبوی: البته اینها حجم قابل توجهی دارند و یک سری شرکت های خصوصی به آنها اضافه می شود و مجوز می گیرند که نهادهای عمومی غیر دولتی تلقی شوند. مسئله معافیت های مالیاتی که اینها از آن برخوردارند، به خصوص مشکلاتی به همراه دارد و هر کدام را باید در جای خود بررسی کرد. من با این نظر موافق نیستم که

گزارش ویژه

فرمانداری‌ها، شهرداری‌ها، تأمین اجتماعی، سازمان حمایت از مصرف‌کننده، گمرکات و سود بازرگانی و غیره عملاً رقم بسیار بالایی شاید بیش از ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی ما را تشکیل می‌دهد که به صورت‌های مختلف از مردم دریافت می‌شود. مثلاً در بودجه سال ۷۶، از کتبه واحدهای تولیدی و صنعتی ۲ درصد مالیات برای آموزش و پرورش اخذ می‌شود که رقم آن حدود ۱۶۰ میلیارد تومان است. برای حق ثبت سفارش کالا هر دلاری ۲۰۰ ریال در نظر گرفته شده. حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای واردات حدود ۲۵۰ میلیارد تومان است، ۳۰۰ میلیارد تومان به عنوان مابه‌التفاوت برای وزارت دارایی و «سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان» در نظر گرفته شده که جمعاً ارقام بسیار سنگینی را تشکیل می‌دهد که عنوان مالیاتی را نیز ندارند. اگر برداشت دولت از تولید ناخالص ملی، شفاف‌تر می‌بود، بر اساس آن سیاست‌گذاری مناسبی انجام می‌گرفت و این به نفع کشور و اقتصاد ملی بود. در این صورت مشخص می‌شد که تولیدکننده، مصرف‌کننده، بخش‌های صنعتی و خدماتی هر کدام به نسبت چقدر باید پردازند. به طور طبیعی تولیدکننده را نباید جریمه کرد. بلکه باید حمایت کرد، اما با عدم شفاف بودن دریافت‌ها، چه بسا تولیدکننده جریمه شود، سرمایه‌گذار هزینه بیشتری پردازد و دلال و واسطه‌گر از تحمل هرگونه هزینه‌ای

عملاً سبب تبیین نادرست و پیش‌بینی کمتر درآمدهای دولت می‌شود. برای مثال افزایش حق ثبت سفارش‌ها، اخذ مالیات بر فروش سیگار، ارائه خدمات سجلی و گذرنامه‌ای، گواهینامه و تعویض پلاک، افزایش بهای خدمات دولتی چون آب، گاز، برق و موارد مشابه از جمله این عدم شفافیت است. جناب آقای دری، آیا فکر نمی‌کنید که بهتر این بود تا اینها از درون تبصره‌ها بیرون آورده می‌شد و در ردیف‌های درآمدی خاص بودجه منظور می‌گردید؟

آقای دری نجف‌آبادی: قطعاً همین‌طور است. طبق اصول ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی، باید آنچه به عنوان بودجه - چه درآمد و چه هزینه - به حساب می‌آید. باید کل آن در لایحه بودجه به تصویب مجلس برسد و تمام درآمدها، ردیف‌ها، موارد هزینه‌ها و مصرف کاملاً مشخص باشد و در عین حال وحدت و یکپارچگی بودجه نیز حفظ گردد و سرعت درآمدها و هزینه‌های دولت باید مشخص باشد. دریافت‌هایی که دولت به عنوان درآمدهای مختلف از تولید ناخالص ملی دارد، کاملاً مشخص بشود. ما الان گاهی ادعا می‌کنیم که درآمدهای مالیاتی دولت فریباً ۸ تا ۱۰ درصد بودجه کل - نه تولید ناخالص ملی - است در حالیکه میزان دریافتی دستگاه‌های مختلف از قبیل

معاف باشند.

□ مجلس و پژوهش: در بودجه ۱۳۷۶، تثبیت نرخ ارز، ادامه پرداخت یارانه کالاهای اساسی و کنترل قیمت آنها به مفهوم برگشت در سیاست‌های تعدیل اقتصادی است. به نظر شما آیا این رویکرد، موقت است یا یک سیاست دراز مدت؟

آقای دری نجف‌آبادی: نه. این که ما در مسیر تعدیل حرکت می‌کنیم، تردیدی نیست. ولی ممکن است حرکت مان را در این جهت قدری تندتر یا کندتر کنیم. ما در اصل به دنبال استراتژی دراز مدت تعدیل هستیم و نباید در این کار تردید کرد. مصلحت ما هم ایجاب می‌کند که در این مسیر حرکت کنیم و آثار و ثمرات مثبت آن را در این سال‌ها شاهد بودیم؛ پس منتها باید جلوی آثار منفی اینگونه سیاست‌ها را نیز گرفت. آن چیزی که می‌تواند ما را موفق کند، این است که بتوانیم جلوی آثار منفی آن را بگیریم و سیاست تعدیل را به صورت یک مجموعه منسجم ببینیم؛ نه فقط یک زاویه‌اش، مثلاً افزایش قیمت‌ها را ببینیم و زوایای دیگرش را نادیده بگیریم.

با این حال تردیدی نیست که ما همچنان کالاهای اساسی را با یارانه‌اش برای مردم جامعه‌مان می‌پردازیم. ممکن است بگویید که ۲۰ درصد افراد جامعه‌مان به این کالاها و یارانه‌ها نیاز ندارند، چرا به آنها نیز یارانه بدهیم؟ این یک مسئله قابل بحثی است. آنهایی که نیاز ندارند، چه بسا نباید به آنها یارانه

* دری نجف‌آبادی: کوششی وجود داشت که قیمت نفت بالا حساب شود، ولی کمیسیون اصلی، مقاومت قابل توجهی کردند و مجلس هم خوشبختانه به افزایش قیمت رأی نداد. البته پیشنهاد دولت نسبت به برنامه، ۲ دلار در هر بشکه افزایش داشت و مجلس همان را نیز تصویب کرد. به نظر می‌رسد که این ۲ دلار نیز زیاد بود.

داد ولی نسبت به ۲۰ درصد ضریب جینی پایین جامعه یا ۴۰ درصد افراد جامعه، قطعاً باید سیاست‌های حمایتی را ادامه بدهیم.

ما در هر حال باید ببینیم که چه سیاستی با مصالح عمومی جامعه‌مان تطبیق می‌دهد، چه سیاستی موجب جلب بیشتر سرمایه و ارز در کشور می‌شود، آن را برگزینیم. هر سیاستی که ما را در جذب بیشتر منابع ارزی خارجی تقویت کند و باعث کاهش فرار سرمایه از کشور شود، آن سیاست به نفع ما و اقتصاد ملی است. ما در این رابطه باید اقتصاد ملی مان را در رابطه با اقتصاد جهانی در نظر بگیریم. مبادا منافع این گروه و آن گروه یا کشمکش‌های سیاسی باعث شود که منافع ملی خود را از دست بدهیم. منافع و مصالح ملی و اقتدار اقتصادی ما در جذب بیشتر منابع خارجی و در کاهش فرار سرمایه

است. اما اگر فکر کنیم که تثبیت نرخ ارز صرفاً از راه‌های اداری و تصمیمات اداری قابل تحقق است، این تفکر، مشکل دارد. تصمیماتی که قبلاً درباره ارز گرفته شد، قدری آرامش در بازار ایجاد کرد. ولی این باید با تصمیم‌گیری‌های اقتصادی پشتیبانی شود، یعنی از طریق اصلاح ساختارهای اقتصادی و مکانیسم‌های اقتصادی، ثبات نرخ ارز را تضمین کنیم. اما اگر روی عددی بایستیم و بگوییم نرخ ارز این است و لاغیر، این به نظر نمی‌آید حرکت دقیقی باشد. به خصوص که ما باید از گذشته پند بگیریم، اگر فاصله نرخ رسمی با نرخ بازار آزاد زیاد شود، فسادهای زیادی سرزیر خواهد شد. این زانت ایجاد می‌کند، ثروت‌های بادآورده در پی خواهد داشت و عده زیادی می‌روند سراغ این که از این دلارهای با نرخ ثابت سوء استفاده کنند و جاذبه‌اش هم خیلی زیاد است. در گذشته هم ثابت شده که هر چه این نرخ ثابت دولتی با نرخ بازار فاصله پیدا کند، این خود تهدید جدی است. ما باید سیاست‌های بازرگانی و مالی را طوری تنظیم کنیم که در نرخ ارز که یک معلول است یا تورم را به نحوی مهار کنیم که این تغییرات ناگهانی در آن ایجاد نشود.

□ مجلس و پژوهش: از فرصتی که در اختیارمان گذاشتید سپاسگزار می‌کنیم.

□ □ □

از کشور نهفته است.

چنین سیاستی است که موجب رشد و تقویت ما خواهد شد و این قضیه بسیار ظریف و حساس و مهم است. امیدوارم که همه به این مسئله مهم توجه کنند، ما باید شعارها را در راستای منافع ملی سوق دهیم. البته مسئله عدالت اجتماعی نیز در این مبحث می‌گنجد، ولی امر ثانوی است؛ زیرا که اول باید ثروت به دست آید، سهم‌مان در اقتصاد جهانی در اختیار ما قرار گیرد، ما سهم بیشتری از اقتصاد جهانی به خود اختصاص بدهیم، منابع بیشتری در اختیار ما قرار گیرد، منابع کمتری از دست ما خارج شود، آن‌گاه بحث دوم این است که این منابع چگونه در درون جامعه هدایت و بهره‌برداری شود.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای

مهندس نبوی، در خصوص تثبیت

نرخ ارز و این که نرخ ارز بایستی از

این حالت مصنوعی خارج شود، نظر

جناب‌عالی چیست؟

مهندس نبوی: ببینید، در این که باید نرخ ارز از یک ثباتی برخوردار باشد، تردیدی نیست، به خاطر این که ما موظف هستیم که قدرت خرید مردم را ثابت بدهیم و ارزش پول ملی را حفظ کنیم و به این ترتیب باید حالت ثبات نسبی در نرخ ارز داشته باشیم که این ثبات در حقیقت یعنی ثبات اقتصادی که لازمه سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار